

مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آن لاین نمی باشد



۲۰۲۲/۰۵/۲۸

یونس نگاه

توصیه های امیر، منشور استبداد

طالبان گروه خود را «حرکت» می گویند و گاهی از آن به نام جنبش یاد می کنند، اما خلاف جنبش های اجتماعی و حرکت های سیاسی دیگر، این گروه منشور ندارد. اینان حرکت خود را سیاسی و از این رو مستحق ساختن دولت می دانند، اما مثل دیگر گروه های سیاسی اساس نامه و برنامه های نشر نکرده اند تا مردم بدانند که ایده آل های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی آنان چیست؟ در دور قبل جز فرامین ملا عمر و تعدادی دستورهای اداری و سیاسی مقامات ارشد طالبان، چیزی از این گروه در خاطره تقنینی دولت افغانستان باقی نماند. امور را با فرمان های شفاهی و رقعہ های دست خطی کوچک موسوم به «پرزہ» می چرخاندند. اکنون نیز طالبان با هرچه قانون، سیستم، اداره و نهاد است سر دشمنی دارند، به جز آن هایی که ابزار کنترل و سرکوب می شود.



طالبان کم می نویسند، اما بسیار سخن می گویند. در مساجد، رادیو، تلویزیون و مجالس صدها و شاید هزاران ملا، قوماندان، نظامی و ملکی هر روز به گوش مردم داد می زنند که این را نکنید، آن را نکنید! دیگر تردیدی نیست که رهبران طالب ماموریت خود را توقف جامعه می دانند. آنان تصور می کنند که ایستایی قاعده آسمانی و حکم الهی، و تغییر بدعت و سرکشی است. از این رو، تمام انرژی خود را برای «جلوگیری» مصرف می کنند. آنان می گویند جامعه بزرگ چهل میلیونی را در همه ابعاد و با تمام افراد، فرهنگ ها و اقشارش از حرکت باز داشته بگویند که مردم بنشینید و اطاعت کنید. از نظر رهبران طالب ماموریت انسان ها رفتن، جست و جو کردن، ساختن و آباد کردن نیست، بلکه ایستادن، اطاعت کردن و ثناخواندن است. از این رو، برای طالبان حکومت کردن کار تک بعدی و بسیار بسیط است: چماق باشد و گروهی که بتواند بدون اما و اگر چماق ها را برای متوقف کردن مردم به کار اندازد. آنگاه کار حکومت به توفیق نایل می شود.

این رویکرد در بیشتر سیاست ها، فرمان ها و هدایت رهبری طالبان پیدا است. به تازگی ملا هیت الله آخوند، رهبر طالبان، با مسوولان نظامی و ملکی آن گروه در ولایت قندهار دیدار داشته و بعد از آن دیدار توصیه نامه ای در ۲۲ فقره از زبان او نشر گردیده است که می توان آن را منشور استبداد نامید. در آن منشور ساده و یک جانبه که نقش مردم و نیز مسوولان نظامی و ملکی زیر دست «امیرالمومنین» در حد موجودات بی اراده، فرمانبردار و فاقد نظر تعریف شده است، تنها یک اصل اساسی وجود دارد: (اطاعت) و باقی هرچه گفته شده، شرح چگونگی رعایت اطاعت و اهمیت آن است. آن ۲۲ فقره توصیه را می توان زیر چهار عنوان دسته بندی کرد:

اول اطاعت کنید:

ملا هیت الله از مسوولان نظامی و ملکی اش خواهان اطاعت بی چون و چرا است. ماده های یک تا سوم توصیه هایش را به دستور اطاعت اختصاص داده است، اما نه اطاعت از اوامر خداوند، قانون و شریعت، بلکه اطاعت از سخنان ملامهای طالب که او آنان را علمای کرام می خواند و سخنان خودش که دستور داده است مسوولان طالب به آن ها همچون حکم شریعت عمل کنند. از نظر ملا هیت الله، او در نقش امیرالمومنین، نماینده برحال خداوند و رسول او است. از این رو، هرچه بگوید شریعت است. او این اطاعت را به سود گروهش پنداشته و انجام آن را ماموریت

د پائو شمیره: له 1 تر 2

سیاسی می‌داند: «پیشرفت امارت اسلامی در اطاعت است. از امیران خود اطاعت کنید ورنه کامیابی ما به ناکامی مبدل می‌شود.»

دوم اطاعت را بیاموزید:

ملا هبت‌الله در توصیه‌هایش، برخی شرایط اطاعت را شرح داده است، از جمله این‌که مسوولان باید تمام فرمان‌های امارت را بر خود تطبیق کنند و از رعایت آن بر زیردستان‌شان نظارت نمایند {فقره ۴}. کمبودهای خود را {در کار اطاعت} اصلاح کنند {فقره ۵}، برای اصلاح کمبودها با علمای دین و استادان مدرسه در تماس باشند {فقره ۷}، خود را از آرزوها و نیات شخصی خالی کنند {فقره ۸}، عکس و ویدیوی بی‌جا ثبت نکنند {فقره ۱۶}، در خوراک اسراف ننمایند {فقره ۱۷}، و تلفن هوشمند زیاد استفاده نکنند {فقره ۲۱}. در دوران اول حاکمیت طالبان عکس و ویدیو گرفتن گناه خوانده می‌شد و افراد بسیاری به این «جرم» مجازات شدند. امروز تلفن همراه و کامره ابزار تبلیغاتی موثر برای حفظ قدرت طالبان است و نمی‌توانند آن را منع کنند، اما قاعده اصلی بسته نگه داشتن چشم و گوش اطاعت‌کننده‌گان پابرجا است و همچنان تاکید می‌شود که از رسانه‌ها دوری جسته شود. مدتی قبل فایل صوتی یکی از بزرگان طالب در رسانه‌ها پخش شد که برخی ادعا کردند آن صدا از ملا هبت‌الله است. در آن فایل رسانه‌ها دشمن اصلی طالبان و بدتر از «یهود و نصارا» و خطرناک‌تر از امریکا خوانده شده‌اند. گوینده آن پیام صوتی که با ادبیات رکبک و بسیار خشمگین صحبت می‌کند، از طالبان می‌خواهد که خبرنگاران را سرکوب کنند.

سوم اطاعت بی‌چون و چرا داشته باشید:

اطاعت حد و مرز ندارد. او می‌گوید باید گوش‌ها و چشمان‌تان را در برابر خطاها و عیب‌های آمران و رهبران بسته نگه دارید. مردم باید از کمبودهای امارت خیر نشوند. «عیب‌های امیران خود را در مقابل مردم بازگو نکنید و نه هم از یکدیگر شکایت کنید.» {فقره ۸}. رهبر طالبان فاصله بین مردم و گروه‌اش را به سود «امارت» می‌داند، زیرا رابطه دوجانبه منجر به آگاهی می‌شود و هیبت طالب فرو می‌ریزد. پنهان‌کاری بخش مهم اصول اطاعت سازمانی طالبان است. در این فرمان و سایر فرمان‌ها و اسناد محدود طالبان چیزی از انتقاد و اصلاح رهبران گفته نشده است. طالبان در تمام سطوح، تنها رابطه عمودی و یکطرفه را به رسمیت می‌شناسند. چرا که از نظر آن گروه همه چیز روشن است، اصول را گذشته‌گان محکم و ابدی بنیاد گذاشته و ملاها در مدارس از آن بنیادها آگاه شده‌اند. افشای خطاهای رهبران و عیوب بزرگان طالب نادرست است، زیرا قاعده رابطه عمودی و یکطرفه را برهم می‌زند و اجرای ماموریت اصلی که توقف جامعه از حرکت است، گرفتار مانع می‌شود.

چهارم) در کار اطاعت متحد باشی:

رهبر طالبان از مسوولان نظامی و ملکی اداره‌اش می‌خواهد که با هم اختلاف نداشته باشند و در کارها همکاری کنند. در کارهای یکدیگر مداخله نکنند. قاضی‌ها را قدر و احترام کنند. مجاهدین سابقه {طالبان سن‌وسال‌دار} را کنار نزنند. با بیت‌المال که بانک انحصاری امیر و دوستانش است، احتیاط کنند. به فرزندان طالبان کشته شده زمینه آموزش را فراهم سازند. کلمه آموزش که در ترجمه فارسی سخنان ملا هبت‌الله آمده، فریبده است. تصور نشود که فرزندان طالبان کشته شده را می‌خواهند به پوهنتون بفرستند تا چشم‌وگوش‌شان باز شود. آن فرزندان باید جای پدران خود را پر کنند. در مدرسه و مراکز آموزشی طالبانی هنر اطاعت را بیاموزند و اگر مستعد بودند از مسوولان «امارت» شوند تا در کار توقف جامعه، سخنان امیران را همچون شریعت یادداشت کرده به آن عمل کنند. ضعف‌های امیران خود را به مردم نگویند و از ملاهای طالب فرمان ببرند. در شماره ۲۰ آن توصیه‌نامه آمده است که در هر ولسوالی که مدرسه وجود ندارد، «هرچه عاجل ایجاد کنید».

در شماره نوزدهم از مسوولان نظامی و ملکی طالبان خواسته شده است که سمینار برگزار کنند، سطح آگاهی خود را بالا ببرند و به سیستم اصلاحات اداری آشنا شوند. این جملات را اگر از درون آن توصیه‌نامه استبدادی بکشیم، توصیه سازنده به نظر می‌رسد. اما آگاهی‌ای که ملا هبت‌الله از آن سخن می‌گوید، مجهز شدن به ابزار اطاعت است. زیردستان امیران باید مهره باشند و مثل ماشین عمل کنند. آن وقت هر قدر مدرن شوند، مساله‌ای نیست. همان‌طوری که رهبران طالب طیاره‌های مدرن سوار می‌شوند، در دفاتر مدرن اقامت می‌گزینند، ویلاها و خانه‌های قیمتی می‌خرند، ساعت‌ها و موبایل‌های مد روز می‌گردانند، داشتن سربازان مجهز به اپلیکیشن‌های فنی پیش‌رفته نیز حرام نیست، به شرط آن‌که سخنان ملا هبت‌الله و دیگر رهبران طالب را چون شریعت یادداشت کرده به آن‌ها عمل کنند.

در هر فرمان طالبان، جنبه‌ای از منشور استبدادی آن گروه پیدا است. اما این توصیه‌نامه به طور کپیشینه عریان است. امیر از نامش پیدا است که بیعت و اطاعت می‌خواهد. معمولاً دستور اطاعت غیرمستقیم، از طریق زیردستان و با اتکا به آیات و روایات مطرح می‌شود. این‌گونه بی‌واسطه و علنی شریعت خواندن سخنان خود و تاکید بر این‌که زیردستان حق ندارند خطاها و کمبودهای امیران خود را فاش سازند، تازمگی دارد. طالبان با گذشت هر روز آب سرد روی دست کسانی می‌ریزد که سخن از تغییر طالبان می‌زدند و انتظار داشتند این گروه حکومت همه‌شمول و مبتنی بر قانون ایجاد کند.